



عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام زمان

عَلَيْهِ السَّلَامُ

از نگاه امام خمینی

مقدمه

با سلام و درود به پیش گاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت، حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچم دار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او. سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می شوند.

امام خمینی علیه السلام که در راه سربازی واقعی و یاری آن امام همام علیه السلام، عمر خود را سپری کرد، سخنانی ارزشمند در رابطه با امام عصر علیه السلام بیان کرده اند، که

این مطالب تحت عناوین و موضوعات مختلف دسته بندی شده و در چند شماره از مجله تقدیم می گردد.

الف. بقیه الله، انسان کامل

۱. می گویند: والعصر ان الانسان لفي خسر. عصر، انسان کامل است، امام زمان علیه السلام است؛ یعنی عصاره همه موجودات. قسم به عصاره همه موجودات؛ یعنی قسم به انسان کامل.^(۱)

۲. عصر، هم محتمل است که در این زمان، حضرت مهدی علیه السلام باشد، یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام و در عصر ما

۱. صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۷، ص ۲۲۵.

همان طور حاکم بر جمیع موجودات است. آن، خاتم رسل است و این، خاتم ولایت است. آن، خاتم ولایت کلی بالاصالة است و این، خاتم ولایت کلی به تبعیت است.^(۴)

۵. ماه مبارک رمضان که ماهی مبارک است، ممکن است برای این باشد که ماهی است که ولی اعظم؛ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله واصل شده و بعد از وصول، ملائکه را و قرآن را نازل کرده است. به قدرت او، ملائکه نازل می‌شوند. به قدرت ولی اعظم است که قرآن نازل می‌شود و ملائک نازل می‌شوند. ولی اعظم، به حقیقت قرآن می‌رسد در ماه مبارک و شب قدر و پس از رسیدن، منتزل می‌گردد به وسیله ملائکه - که همه تابع او هستند - قرآن شریف را، تا به حدی که برای مردم بگوید.

قرآن در حد ما نیست، در حد بشر نیست. قرآن، سری است بین حق و ولی الله اعظم که رسول خداست، به تبع او نازل می‌شود تا می‌رسد به این جایی که به صورت حروف و کتاب در می‌آید که ما هم از آن استفاده ناقص می‌کنیم. و

۴. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۹.

حضرت مهدی علیه السلام است. قسم به عصاره موجودات عصر، فشرده موجودات، آن که فشرده همه عوالم است؛ یک نسخه است، نسخه تمام عالم. همه عالم در این موجود، در این انسان کامل، عصاره شده است و خدا به این عصاره قسم می‌خورد.^(۱)

۳. حضرت مهدی علیه السلام، ابعاد مختلفه دارد که آن چه که برای بشر واقع شده است، بعضی ابعاد اوست.^(۲)

پیغمبر می‌خواست همه مردم را علی بن ابی طالب علیه السلام کند؛ ولی نمی‌شد. و اگر بعثت، هیچ ثمره‌ای نداشت الا وجود علی بن ابی طالب علیه السلام و وجود امام زمان علیه السلام، این هم توفیق بسیار بزرگی بود. اگر خدای تبارک و تعالی، پیغمبر را مبعوث می‌کرد برای ساختن یک چنین انسانهای کامل، سزاوار بود. لکن آنها می‌خواستند که همه، آن طوری بشوند، آن توفیق حاصل نشد.^(۳)

۴. همان طوری که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حسب واقع، حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی علیه السلام نیز،

۱. همان، ج ۱۲، صص ۱۷۰-۱۷۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۸۳.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۱.

و برخلاف مقاصد خدا عمل کردند. رئیس یک قوم اگر قومش خلاف بکند، آن رئیس منفعل می‌شود. (۴) طوری باشد که نامه‌ها وقتی عرضه می‌شود، ایشان را متأثر نکند. (۵)

۳. خلاف ما برای امام زمان علیه السلام سرشکستگی دارد. دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه او دارد این کار را می‌کند، امام زمان علیه السلام سرشکسته می‌شود. بیدار بشوید که مسئله خطرناک است و خطر هم خطر شخص نیست، خطر ملت نیست، خطر اسلام است. (۶)

۴. قبل از اینکه این نامه اعمال ما به پیشگاه خدا و قبل از آن به پیشگاه امام زمان علیه السلام برسند، خودمان باید نظر کنیم به این نامه اعمالمان. (۷)

۵. وقتی نامه‌های ما را بردند پیش امام زمان علیه السلام (در روایات است که هر هفته می‌برند، هفته‌ای دو دفعه). وقتی که می‌برند، اعمال ما جور می‌باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم. ما آن

اگر سرّ «لیلة القدر» و سرّ «نزول ملائکه» در شبهای قدر - که الآن هم برای ولی الله اعظم حضرت صاحب علیه السلام این معنا امتداد دارد - سرّ اینها را ما بدانیم، همه مشکلات ما آسان می‌شود. (۱)

۶. از پیغمبر گرفته تا امام عصر علیه السلام همه از گناه می‌ترسیدند. گناه آنها غیر اینی است که من و شما داریم. آنها یک عظمتی را ادراک می‌کردند که توجه به کثرت، از گناهان کبیره است پیش آنها. (۲)

ب. عرضه اعمال بر امام زمان علیه السلام

۱. تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است و نامه اعمال ما به حسب روایات به امام وقت عرضه می‌شود. امام زمان علیه السلام مراقب ما هستند. (۳)

۲. توجه داشته باشید که کارهایتان جوری نباشد که وقتی بر امام زمان علیه السلام عرضه شد، خدای نخواست، آزرده بشوند و پیش ملائکه الله یک قدری سرافکنده بشوند که، اینها شیعه‌های من هستند. اینها دوستان من هستند

۱. صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۱۷۱-۱۷۲.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۸۷.

۳. همان، ج ۱۸، صص ۱۷-۱۸.

۴. همان، ج ۱۲، ص ۱۲۸.

۵. همان، ج ۱۲، ص ۲۲۴.

۶. همان، ج ۸، ص ۱۴.

۷. همان، ج ۱، ص ۳۳.

قرآن در حد ما نیست، در حد بشر نیست. قرآن، سری است بین حق و ولی الله اعظم که رسول خداست، به تبع او نازل می‌شود تا می‌رسد به این جایی که به صورت حروف و کتاب در می‌آید که ما هم از آن استفاده ناقص می‌کنیم

طور نیست که خودسر بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم.^(۱)

۶. اگر یک وقت، نامه عمل یک روحانی را بردند و به امام زمان علیه السلام دادند و آن ملائکه الهی که بردند و نامه را دادند، بگویند: این هم روحانی شما، اینها پاسداران اسلام شما هستند؟ و امام زمان علیه السلام خجالت بکشد، نعوذ بالله. او علاقه دارد به شما. شما ببینید اگر این آقا، خودشان خیلی منزّه است، از پسرشان یک چیزی صادر بشود، خودشان سرافکنده می‌شوند. اگر از خادم‌شان یک چیزی صادر بشود، خودشان سرافکنده می‌شوند. ما همه خادم هستیم. از ما توقع هست. از شما

توقع هست.^(۲)

۷. من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان علیه السلام پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه تو هستند این کار را می‌کنند! نکند یک وقت خدای نخواستہ، یک کاری از ماها صادر بشود که وقتی نوشته برود؛ نوشته‌های ملائکه الهی که مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی، رقیب دارد و مراقبت می‌شود. ذره‌هایی که بر قلبهای شما می‌گذرد، رقیب دارد. چشم ما رقیب دارد. گوش ما رقیب دارد. زبان ما رقیب دارد. قلب ما رقیب دارد. کسانی که مراقبت می‌کنند اینها را، نکند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان علیه السلام یک وقت، چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان علیه السلام باشد. مراقبت کنید از خودتان، پاسداری کنید از خودتان.^(۳)

ج. کسب رضایت حضرت بقية الله علیه السلام

۱. رهبر همه شما و همه ما، وجود مبارک بقية الله علیه السلام است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت

۲. همان، ج ۷، صص ۲۵۲ - ۲۵۳.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۶۷.

۱. همان، ج ۸، ص ۱۴۹.

۴۱. مقابله کنند، با جور مقابله کنند. تکلیف است. نهی از منکر است. به همه ما تکلیف است که باید مقابله کنیم با این دستگاه‌های ظالم، خصوصا دستگاه‌هایی که با اساس مخالفند.^(۳)

۲. ما منتظران مقدم مبارکش، مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر علیه السلام حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغل بازی پرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم.^(۴)

۳. امیدوارم که ما همه جزء هیئت قائمیه باشیم و همه به آن وظایفی که اسلام و قرآن، تحت لوای حضرت صاحب علیه السلام برای ما تعیین فرموده‌اند، عمل کنیم و صورتها را محتوای واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی.

شاید این وصفی که برای حضرت صاحب علیه السلام ذکر شده است، دنبال همین آیه شریفه که می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى»^(۵) «بگو فقط که شما را به

آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم.^(۱)

۲. من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه قشرهای این ملت و همه ما، از خدمت‌گزاران به اسلام و ولی عصر علیه السلام باشیم. ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر علیه السلام است و وظیفه آنهایی که در مملکت ولی عصر علیه السلام زندگی می‌کنند، یک وظیفه سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظا بگوییم ما در زیر پرچم ولی عصر علیه السلام هستیم و عملا توی آن مسیر نباشیم، چنان چه نمی‌توانیم بگوییم که ما، جمهوری اسلامی داریم و عملا آن طور نباشیم، اسلامی نباشیم.^(۲)

د. انتظار؛ یعنی مقابله با ظلم

۱. در بعضی روایات که من حالا نمی‌دانم صحت و سقمش را، هست که یکی از چیزهای مستحب این است که مؤمنین در حال انتظار، اسلحه هم داشته باشند. اسلحه مهیا، نه این که اسلحه را بگذارند کنار و بنشینند منتظر. اسلحه داشته باشند برای این که با ظلم

۳. همان، ج ۹، ص ۱۰۱.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۲.

۵. سبأ/۴۶.

۱. همان، ج ۱۴، ص ۹۴.

۲. همان، ج ۸، ص ۶۱.

که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد و زور و ظلم و جور از دنیا بر طرف بشود و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر ارواحنا له الفداء.^(۳)

۶. این چیزی که ما در این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است. همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود. بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست.^(۴)

۷. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم، برای آمدن حضرت علیه السلام.^(۵)

هـ. برداشتهای انحرافی از انتظار

۱. بعضیها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند، بلکه بعضی از آنها را که من

یک چیز، موعظه و توصیه می کنم، اینکه به صورت دو تا دو تا و تک تک، برای خدا قیام کنید.»

دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم. قیام واحد که بالاترین قیام، همان قیام آن شخص واحد است. و همه قیامها باید دنبال آن قیام باشد و قیام لله باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید که: **﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ﴾**.

به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما و آن موعظه این است که، قیام کنید و قیام لله باشد. قیام لله کنید.

البته آن حضرت قیام لله می فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست، برای دیگران نیست. لکن شیعه های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند لله، برای خدا.^(۶)

۴. امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان به پاخیزند و داد خود را از مستکبران بگیرند و مقدمات فرج آل محمد علیهم السلام را فراهم نمایند.^(۷)

۵. ان شاء الله، اسلام را به آن طور

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

۵. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۹.

۱. همان، ج ۷، ص ۳۶.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۵.

اگر یک وقت، نامه عمل یک روحانی را بردند و به امام زمان علیه السلام دادند و آن ملائکه الهی که بردند و نامه را دادند، بگویند: این هم روحانی شما، اینها پاسداران اسلام شما هستند؟ و امام زمان علیه السلام خجالت بکشد، نعوذ بالله

باید عالم پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند، گناهها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند. می گفتند: باید دامن زد به گناهها. دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند. اشخاص ساده لوح هم بودند. منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی، به این امر دامن می زدند.

یک دسته دیگری بودند که می گفتند: هر حکومتی اگر در زمان

سابقا می شناختم، بسیار مرد صالحی بود. یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب علیه السلام بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می کردند و نهی از منکر هم می کردند و امر به معروف هم می کردند؛ لکن همین. دیگر غیر از این کاری از شان نمی آمد و به فکر این هم، که یک کاری بکنند، نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که، ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، بر ملتها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد. به این چیزها، ما کار نداشته باشیم. ما تکلیفهای خودمان را عمل می کنیم. برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آن چه در دنیا می گذرد یا در مملکت خودمان، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای مردمی بودند که صالح بودند.

یک دسته‌ای می گفتند: که خوب!

غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنها بی که بازیگر نبودند مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر غلمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن غلم، غلم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد. در صورتی که آن روایات که هر کس غلم بلند کند غلم مهدی، به عنوان مهدویت بلند کند. حالا ما فرض می کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این است که ما تکلیف مان دیگر ساقط است. یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن؟ این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب که تشریف می آورند، برای چی می آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را. برای اینکه حکومت را تقویت کنند. برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن، دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند. حضرت

بیایند چه می کنند؟

حضرت می آیند می خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد! به حسب رای این جمعیت که بعضی شان بازیگرند و بعضی شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام! هر کسی نفرین به صدام کند، خلاف امر کرده است؛ برای اینکه حضرت دیر می آیند! و هر کسی دعا کند به صدام، برای اینکه، این فساد زیاد می کند. ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنبان شان، از قبیل صدام باشیم و امثال اینها، تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند. همان کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد، حضرت می خواهند همین را برش دارند. ما اگر دست مان می رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم و جورها را

ان شاء الله، اسلام را به آن
طور که هست، در این مملکت
پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز
اسلام را در ممالک خودشان
پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام
باشد و زور و ظلم و جور از دنیا
بر طرف بشود و مقدمه باشد
برای ظهور ولی عصر ارواحنا
له الفداء

همچو روایتی بیاید، ضرب به جدار
می شود. خلاف قرآن است، خلاف
سیره انبیاست یا اینکه روایتی نیست.
شما وقتی ملاحظه می کنید آن همه
روایاتی که اگر کسی میل به این بکند.
که روایاتی است که: اگر مایل باشی
که زنده باشی این سلطان، تو هم با او
هستی. مسلمان مگر می شود مایل باشد
به این که یکی زنده باشد و ظلم بکند،
آدم بکشد؟ رابطه داشته باشد با یک
کسی که آدم می کشد؟ عالم می کشد؟
علما را می کشد؟^(۱)

۳. اینهایی که می گویند که هر علمی
بلند بشود و هر حکومتی خیال کردند که

از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست.
منتها ما نمی توانیم. اینی که هست، این
است که حضرت عالم را پر می کنند از
عدالت. نه شما دست بردارید از این
تکلیف تان، نه اینکه شما دیگر تکلیف
ندارید.^(۲)

۲. «اگر خود حضرت صاحب علیه السلام
مقتضی بدانند، خوب، خودشان تشریف
بیاورند!» یکی از علما این جور
می گفت (خدا رحمتش کند) که: «من
که دلم بیش تر از حضرت صاحب علیه السلام
برای اسلام نسوخته است. خوب ایشان
هم که می بینند این را، خود ایشان بیایند،
چرا من بکنم؟»

این منطق اشخاصی است که
می خواهند از زیر بار در بروند. اسلام،
اینها را نمی پذیرد. اسلام، اینها را به
هیچ چیز نمی شمرد. اینها می خواهند از
زیر بار در بروند. یک چیزی درست
می کنند. دو تا روایت از این طرف، از
آن طرف می گردند، پیدا می کنند که
خیر، «با سلاطین مثلا بسازید، دعا کنید
به سلاطین». این، خلاف قرآن است.
اینها نخوانده اند قرآن را. اگر صد تا

۲. همان، ج ۲، ص ۲۸.

۱. همان، ج ۲۰، صص ۱۹۶-۱۹۷.

هر حکومتی باشد، این برخلاف انتظار فرج است. اینها نمی فهمند چی دارند می گویند. اینها تزریق کردند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی دانند دارند چی می گویند. حکومت نبودن؛ یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند. برخلاف نص آیات الهی رفتار نکنند. ما اگر فرض می کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می زدیم، برای این که خلاف آیات قرآن است.^(۱)

۴. ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد. در مقابل ظالم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان علیه السلام هستیم، پس دیگر بنشینیم در خانه هامان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم عجل علی فرجه. عجل با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این است که، مسلمین را با هم مجتمع

کنید. همه با هم بشوید، ان شاء الله ظهور می کند ایشان.^(۲)

روز وصل

غم مخور، ایام هجران رو به پایان می رود این خماری از سر ما میگساران می رود پرده را از روی ماه خویش بالا می زند غمزه را سر می دهد، غم از دل و جان می رود بلبل اندر شاخسار گل هویدا می شود زاغ با صد شرمساری از گلستان می رود محفل از نور رخ او، نورافشان می شود هرچه غیر از ذکر یار، از یاد رندان می رود ابرها، از نور خورشید رخس پنهان شوند پرده از رخسار آن سرو خرامان می رود وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد روز وصلش می رسد، ایام هجران می رود^(۳)

۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

۳. دیوان امام، ص ۱۱۱.

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸.